

بازتاب رفتارهای زیست‌محیطی در آثار منتخب نویسندگان زن دهه ۹۰

یعقوب نوجوان^۱، مریم محمدزاده^{۲*}، رامین صادقی‌نژاد^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

^{۲*} دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

نویسنده مسئول: [Email: ay_maryam@yahoo.com](mailto:ay_maryam@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

چکیده

تأثیر رفتارهای زیست‌محیطی بر محیط زیست، به‌ویژه رفتارهای مسئولانه و توأم با آگاهی و نگرش زیست‌محیطی مثبت، ارتباط مستقیم و غیر قابل انکاری دارد. مشکلات زیست‌محیطی که ناشی از دخالت و بهره‌برداری بی‌اندازه و ناصحیح آدمی از منابع و ذخایر طبیعی است، با آموزش درست و فرهنگ‌سازی صحیح، قابل تغییر است. یکی از راه‌های آموزش غیرمستقیم و فرهنگ‌سازی برای تغییر نگرش نسبت به محیط زیست، آگاهی، تأکید بر رفتار درست زیست‌محیطی و تقویت رفتارهای نادرست در ادبیات، به‌ویژه ادبیات داستانی و ژمان است که می‌تواند تأثیر بیش‌تری نسبت به بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی و اداری داشته باشد. برای تحقیق این موضوع که مشکلات زیست‌محیطی و رفتار و نگرش زیست‌محیطی در عرصه ژمان، چه بازتابی دارد؛ آثار منتخب نویسندگان زن دهه نود، به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. این انتخاب از آن روی است که زنان به خاطر خاصیت زنانگی و خصوصیت مادرانه نسبت به مردان - که دیدگاه سلطه‌جویانه‌ای به جهان هستی و طبیعت دارند - نگرش مثبت‌تری به این مقوله دارند. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد در کنار بازتاب مشکلات و مسائل زیست‌محیطی در این آثار، در مواردی هم، راه‌کارهای ارزنده و سازنده‌ای برای رفع و حل این مشکلات، ارائه شده است.

کلیدواژه: ژمان، رفتار زیست‌محیطی، محیط زیست، نگرش زیست‌محیطی، نویسندگان زن دهه نود.

۱- مقدمه

ادبیات تا پیش از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی، اندیشه‌های سلطه‌جویانه و زیاده‌خواهی‌های جاه‌طلبانه و توجه به پیشرفت صنعتی و رشد اقتصادی، به هر شیوه و هر وسیله‌ای، بر دیدگاه آدمی غلبه داشت؛ اما با بروز مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، که عامل اصلی آن، بهره‌برداری‌های ناصحیح و استفاده بیش از حد و اندازه از منابع و ذخایر طبیعی بود، این دیدگاه نادرست را به چالش کشید و موجب تغییر نگرش آدمی گشت و پس از آن کوشش برای نگهداری از محیط زیست در رأس برنامه‌های زیست‌محیطی قرار گرفت. کم‌کم نظریه‌هایی مبنی بر این که چگونه و چرا مردم، باید نگرش و رفتار خود در قبال موضوع محیط زیست را تغییر دهند در سرلوحه برنامه‌های دانشمندان محیط زیست، قرار گرفت. دلیل تغییر در نگرش و رفتار آدم‌ها، از این روی بود که راه‌حل جلوگیری از آسیب زدن به محیط زیست و حفظ منابع و ذخایر غیر قابل جبران و تجدید ناپذیر در گرو تغییر رفتار مسئولانه و نگرش درست به زیست‌بوم و طبیعت بود. از آنجایی که مسائل زیست‌محیطی و مشکلات بوم‌زیستی با دخالت بی‌جا و استفاده ناروا از طبیعت، توسط خود آدمی به بار آمده است؛ بهره‌گیری صرف از فن‌آوری‌های روز، راه‌حل کافی و مناسبی برای رفع این مُعضل نیست و باید رفتار و نگرش آدمی، تغییر کند. این مسأله چنان اهمیت پیدا دارد که جهت‌دانش‌های زیست‌محیطی و جغرافیایی به سمت و سوی علوم رفتاری، گرایش یافته است و این موضوع مورد تأکید قرار گرفته که «ما چگونه به محیط زیست، ارزش دهیم

و چه راه‌هایی را انتخاب کنیم؟ یکی از راه‌های بهبود رفتارهای زیست‌محیطی، افزایش آگاهی مردم از طریق گنجاندن درس مرتبط با محیط زیست در برنامه درسی، دانش‌آموزان و دانشجویان است. این موضوع اساساً یک کار فرهنگی و به منزله سرمایه‌گذاری فرهنگی است که با هر شکلی از یادگیری، می‌تواند افزایش یابد. سرمایه‌های فرهنگی می‌توانند عینیت یافته به شکل کالاهای فرهنگی و اشیای مادی چون: مجله‌ها، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، تصاویر، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها و... تجلی یابند. هرچه میزان سرمایه فرهنگی افراد بیشتر باشد، گرایش به رفتارهای اصولی در آن‌ها بیش‌تر می‌شود و در مورد مسأله محیط زیست، رفتارهای زیست‌محیطی سالم‌تری دارند. بنابراین در کنار کتب درسی، کتاب‌های داستان و رمان نیز می‌تواند در بالابردن آگاهی‌های زیست‌محیطی و رفتار مسئولانه در برابر طبیعت و حفاظت از زیست‌گروه، نقش کلیدی و ارزنده‌ای داشته باشند. پیامد بی‌سوادی زیست‌محیطی در نهایت، هم به نابودی زیست‌بوم و هم نابودی تمام ساکنان سیاره سبز، منجر خواهد شد. این پیامدها آن‌چنان چشم‌گیر است که دولت‌مردان کشورهای صنعتی را هم متوجه آسیب‌های ناشی از تهدید و نابودی زیست‌گروه، ساخته است. از طرفی، ترمیم صدماتی که مردم، ناآگاهانه به بوم‌زیست خود می‌زنند، مانند ریختن زباله‌های مسموم و مضر در فاضل‌آب منازل و استفاده بی‌رویه از مواد یک‌بار مصرف، بسیار پُر هزینه است و هزینه ترمیم صدمات وارده به محیط زیست، تقریباً دو برابر بیش‌تر از هزینه پیش‌گیری از آن‌هاست. دانشمندان محیط زیست، به طور مستمر، درصدد پیدا کردن راه‌کارهایی مناسب و کم‌هزینه‌تر برای حلّ مُعضلات ناشی از مشکلات زیست‌محیطی - اند. یکی از این راه‌کارها، جلوگیری از صدمه رساندن انسان به محیط زیست و پرهیز از نابودی آن و آموزش رفتارهای مسئولانه و طبیعت‌دوستی به آدمی است. مردم مناطق مختلف دنیا به خاطر ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی گوناگون، باورها و دیدگاه‌های متفاوتی در قبال طبیعت و محیط زیست دارند. بسیاری از اندیشمندان، باور دارند مشکلات زیست‌محیطی، ریشه در ارزش‌ها و باورهای اجتماع دارد و به همین علّت، باید دانست که افراد اجتماع، نسبت به محیط زیست خود، چگونه فکر می‌کنند و چه شناختی نسبت بدان دارند و تا چه اندازه، طبیعت و محیط زیست، برای ایشان دغدغه است.

۱-۱- بیان مسئله

پژوهش حاضر با هدف استخراج مصادیق تلاقی و پیوند ادبیات و محیط زیست و نقش‌آفرینی زیست‌بوم در شکل دادن به ساختار روایی داستان، برآن است تا به شیوه مطالعات بین‌رشته‌ای به ارزیابی داستان‌های منتخب معاصر نویسندگان زن معاصر بپردازد و ضمن واکاوی جوانب چنین کارکردی در متون ادبی، وجوه اشتراک و افتراق نگاه این نویسندگان به مسائل محیط زیستی را نشان دهد.

۱-۲- سؤالات تحقیق

- الف. چه مسائل و مشکلات زیست‌محیطی در داستان‌های منتخب زن دهه نود مطرح شده است؟
- ب. چه راه‌کارهایی برای رفع این معضلات و مشکلات زیست‌محیطی ارائه شده است؟

۱-۳- فرضیه تحقیق

- الف. نویسندگان زن منتخب دهه نود نسبت به مسائل زیست‌کره و مشکلات زیست‌محیطی در داستان‌های خود پرداخته‌اند.
- ب. نویسندگان زن منتخب دهه نود در مواردی راه‌کارهایی برای حفظ محیط زیست ارائه داده‌اند.

۱-۴- پیشینه تحقیق

مطالعات میان‌رشته‌ای در اواخر قرن بیستم میلادی شکل گرفت و اصطلاح خوانش یا نقد زیست‌بوم‌گرا (Ecocriticism) را اولین بار ویلیام رونکرت (William Ruecert) در اواخر همین قرن در سال ۱۹۷۸م در مقاله‌ای با عنوان ادبیات و بوم‌شناسی: تجربه‌ای در نقد زیست‌بوم‌گرا، به کار بُرد. پس از او، چریل گلافتلی (Cheryl Glotfelty) به این نوع نقد توجه نشان داد و ضمن مقایسه این شیوه با نقد فمینیستی و مارکسیستی به نقد زیست‌بوم‌گرا، صبغه‌ای سیاسی

اجتماعی بخشید. این نقد در ایران، سابقه چندانی ندارد و در دهه‌های اخیر توجه به این نقد، آغاز شده است. محققان ایرانی، نخستین گام‌ها در حوزه این نقد را با چاپ سه مقاله در سال ۱۳۹۰ برداشته‌اند: ذکاوت، مسیح (۱۳۹۰) درآمدی بر بوم‌نقد؛ مودودی، محمد ناصر (۱۳۹۰) جنبش میان‌رشته‌ای بین دو حوزه محیط‌زیست و ادبیات. پس از این مقالات، پارساپور، زهرا، تحقیقات گسترده‌ای در باب نظریه بوم‌گرا آغاز کرد. در سال ۱۳۹۱ مقاله‌ای با عنوان نقد بوم‌گرا، رویکردی نو در نقد ادبی، در فصل‌نامه «نقد ادبی» و در همان سال، مقاله‌ای دیگر با عنوان بررسی ارتباط انسان و طبیعت در شعر در همین زمینه به چاپ رساند. او در سال ۱۳۹۲ به تألیف دو جلد کتاب در زمینه نقد بوم‌گرا با عنوان «نقد بوم‌گرا (ادبیات و محیط زیست)» و «درباره نقد بوم‌گرا» پرداخت.

در کتاب نقد بوم‌گرا، معرفی کاملی از این نظریه صورت گرفته و این کتاب، اثری جامع در نقد بوم‌گرا محسوب می‌شود. کتاب دوم ترجمه‌ای از مقالات نگاشته شده در باب نظریه بوم‌گراست که در مجلات معتبر جهانی چاپ شده است. این آثار می‌تواند زمینه‌ساز آشنایی محققان ایرانی با پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در خارج از کشور باشد. پس از این تألیف‌ها، نقد بوم‌گرا در ایران، توجه بیشتری را به خود جلب کرد و پژوهش‌های متعددی در باب کارکرد این نظریه در اشعار و داستان‌های فارسی، صورت گرفت. پژوهش‌های انجام شده درباره نقد بوم‌گرا در ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف. مطالعاتی در حوزه نقد بوم‌گرا به معرفی این نوع نقد پرداخته‌اند؛ از این دسته می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: «جهان داستان و محیط‌زیست»؛ جزو نخستین مقالاتی است که در زمینه پیوند ادبیات و زیست‌بوم تألیف شده است (بهروزکیا، ۱۳۸۳)؛ نشانه بوم‌زیست ادبی: نظریه و روش؛ به واکاوی نشانه بوم‌زیست ادبی پرداخته است (شعیری، سید ابراهیمی، ۱۳۹۸)؛ نقد بوم‌گرا، رویکردی نو در نقد ادبی، ضمن بیان ضرورت نگرش بوم‌گرایانه در علوم انسانی به معرفی‌گرایی‌های بوم‌گرا در حوزه زبان‌شناسی، دین و اخلاق پرداخته سپس نقد بوم‌گرا و موضوعات و روش‌های آن را تبیین کرده است (پارساپور، ۱۳۹۱)؛ بوم‌شناسی فرهنگی و منتقدین آن؛ به ارائه چارچوب و تعریفی از بوم‌شناسی فرهنگی پرداخته؛ آن‌گاه آثار و تحقیقات متأخر را معرفی و تحلیل کرده است.

ب. مطالعاتی که مؤلفه‌های این رویکرد را در آثار ادبی، مورد واکاوی قرار داده‌اند؛ از آن جمله است: نقد زیست‌بوم‌گرایانه داستانی کوتاه از غلام‌حسین سعدی؛ با محور قرار دادن پیوند محیط زیست با متن ادبی عافیت‌گاه، به بررسی کیفیت نقش‌آفرینی محیط زیست در خلق روایت ادبی پرداخته است (آل-بوغیش، گل بابانی، ۱۳۹۷)؛ جای خالی سلوچ و فلسفه بوم‌شناختی؛ داستان جای خالی سلوچ را از منظر بوم‌شناختی مورد مطالعه قرار داده است. چرا که زیست‌بوم و بحران‌های مربوط به آن، مانند کم‌آبی، نقش پررنگی در سرنوشت شخصیت‌های این داستان دارد (خسروی، کوپال، ۱۳۹۳)؛ بررسی نقد بوم‌گرایانه داستان‌های علی‌اشرف درویشیان؛ نشان‌گر نگاه نویسنده به محیط اطراف و تأثیرپذیری او از حوزه اقلیم و جغرافیای تولید اثر ادبی است که اثر او را از اصالتی بوم‌گرایانه برخوردار می‌سازد (سالاری، سیدیزدی، یوسفی‌نیا، ۱۳۹۳)؛ روایت‌های بوم‌گرایانه از جهان‌بینی زنانه به صورت تطبیقی به بررسی شرایط فرهنگی، اجتماعی و چگونگی انعکاس آن در آثار منیر و روانی‌پور و زویا پیرزاد، پرداخته تا از طریق تطبیق باز نمودهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی در آثار این دو، مسئله زیست‌بوم و جهان‌بینی‌های زنانه را تبیین کند (مرادی، زندی، غیاثیان، ۱۳۹۷)؛ بررسی بوم‌گرایانه باشبیر و نشان می‌دهد، محمود دولت‌آبادی از محیط غیرمتعارف داستان‌هایش، یعنی بندر و به ویژه دریا، بهره‌جسته و تا حدی از محیط تکراری زمینی (غیر دریایی) روستایی و شهری محض، فاصله گرفته است (حبیبی نسامی، ۱۳۹۳)؛ در خوانش بوم‌گرایانه از داستان کوتاه گلایی نوشته گلی ترقی؛ سعی داشته است با خوانشی بوم‌گرایانه، لایه‌های دیگری از معناهای متن را واکاوی و تحلیل کند (نیازی، ۱۳۹۴)؛ استعاره و نقد بوم‌گرا؛ به خوانش دو داستان «گیله‌مرد» و «از خم چنبر»، از دیدگاه نقد بوم‌گرا پرداخته و به این نتیجه رسیده که نویسندگان داستان‌های اقلیمی، آگاهانه یا ناخودآگاه، طبیعت را محور قرارداده‌اند و استعاره مادر طبیعت را به صورت‌های مختلف در داستان‌های خود به کار برده‌اند (راکعی، نعیمی حشکوائی، ۱۳۹۵)؛ در طبیعت در قصه‌های عامیانه ایرانی از دیدگاه نقد بوم‌گرا؛ گفته است افزون بر جلوه طبیعت با دو وجه مقدس و جادویی در قصه‌ها، وفور گیاهان جادویی و دیگر عناصر طبیعت که یاری‌گر قهرمان می‌شوند، چه به صورت مستقیم و چه به صورت بهره‌دهی و نعمت‌بخشی؛ قهرمانان را در صلح و آشتی با طبیعت نگاه می‌دارد و قصه‌خوان امروزی، احترام به طبیعت و پاس‌داشت آن را وظیفه خود می‌داند و از اشتیاق مخرّبش به تسلط منفی بر طبیعت می‌کاهد (خراسانی، داوودی مقدم، ۱۳۹۸)؛ نقد بوم‌گرایانه قصه‌های عامیانه؛ چهل قصه عامیانه را بر مبنای نقد بوم‌گرا واکاوی و به این نتیجه رسیده است که رابطه انسان و طبیعت در این قصه‌ها، بسیار نزدیک است (حیدری، حیدری، ۱۳۹۹)؛ نقش زیست‌بوم در مفهوم سازی شهادت در اشعار سلمان هراتی؛ استعاره‌هایی را که حوزه آنها مفاهیم شهادت و امامت است بر اساس نظریه استعاره مفهومی، بررسی و به این نکته پی

برده است که محیط زیست این شاعر و اجزای تشکیل دهنده آن چه نقشی در مفهوم‌سازی موجود دارند (عباسی، پورا‌براهیم، ۱۳۹۸)؛ نقد بوم‌گرایانه دفتر شعر از زبان برگ، سروده محمدرضا شفیعی کدکنی؛ نشان می‌دهد از یک‌سو، بی‌توجهی انسان‌ها به طبیعت و حیات وحش، ذهن، روح و روان شاعر را آزرده و او را گلایه‌مند کرده و شاعر در این اشعار، چنان محو طبیعت شده که وجود خود را با طبیعت، یک‌سان انگاشته و از زبان طبیعت به توصیف خویشتن پرداخته است (بشیریان، شایان سرشت، ۱۳۹۶)؛ بررسی زیست‌بوم در شعر فروغ فرخزاد بر اساس نظریه بوم‌فنیسم؛ به بررسی دیدگاه‌های شاعر نسبت به محیط و زیست‌بوم پرداخته و در پی دست‌یافتن به این پرسش در شعر و افکار فرخزاد، مفاهیم طبیعت‌گرایانه تا چه اندازه بازتاب داشته است؟» (ذوالفقارخانی، ۱۳۹۵).

۱-۵- روش تحقیق

در پژوهش حاضر، آثار منتخب نویسندگان معاصر زن با رویکرد توصیفی-تحلیلی در قالب نقد زیست‌بوم، بازخوانی و مشکلات مسائل زیست‌محیطی و راه حل‌های پیشنهادی ارائه شده است.

۱-۶- اهداف و ضرورت تحقیق

در اواخر قرن بیستم، درکی گسترده وجود داشت که زمین در بُحران زیست‌محیطی به سر می‌برد و این بحران، ناشی از آلودگی صنعتی و شیمیایی زیست‌کره، نابودی جنگل‌ها و منابع طبیعی، انهدام بی‌رحمانه گونه‌های گیاهی و جانوری و رشد ناگهانی جمعیت، فراتر از ظرفیت کره زمین می‌باشد. در وضعیت چنین بحران یا فاجعه قریب‌الوقوعی بود که نقد بوم‌شناختی به وجود آمد. به عبارت دیگر با افزایش بحران‌های زیست‌محیطی در سال‌های اخیر و به دنبال آن در معرض تهدید قرارگرفتن ادامه حیات موجودات زنده از جمله انسان‌ها، رویکرد میان‌رشته‌ای در زمینه محیط زیست، به عنوان راه‌حلی برای عبور از این بحران، مورد توجه اندیشمندان قرارگرفت و رابطه انسان با محیط پیرامونش دست‌خوش تغییر و بازتعریف شد؛ به همین دلیل مطالعات زیست‌محیطی در اکثر حوزه‌های علوم اهمیت خاصی پیدا کرد. نقد بوم‌زیستی به عنوان یکی از رویکردهای میان‌رشته‌ای در زمینه محیط زیست، با بهره‌گیری از وجوه مختلف، تأثیرگذاری ادبیات بر مخاطبین، سعی دارد در عصر افسارگسیختگی صنعت و مُدرنیت، ارتباط تازه‌ای میان انسان و طبیعت برقرار سازد تا هم پیوندی عام‌تر میان آدمیان و محیط زیست، ایجاد کند و هم به حال محیط زیست مفید واقع شود. به عبارت دیگر، سخنور و نویسنده معاصر در پی آن است که درکنار انسان، هویت مستقل طبیعت را به رسمیت بشناسد و به نوبه خود، در نجات کره زمین و ادامه بقای موجودات زنده، نقش ایفا کند. علاوه بر این، با توجه به قدرت گرفتن موضوع صنعتی‌سازی جوامع و چیرگی بر طبیعت، برجسته نشان دادن مسائل محیط‌زیستی در آثار نویسندگان بزرگ، علاوه بر التذاذ ادبی بر نگرش خوانندگان تأثیر عمیقی می‌تواند داشته باشد؛ زیرا پرداختن به کیفیت نقش‌آفرینی زیست‌بوم در متون ادبی و جایگاه آن در شکل‌دادن به ساختار روایت ادبی و نیز مشارکت در فرآیند مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی، موضوعی پُر اهمیت است. با نگاهی به تاریخ ایران باستان، نگرش مثبت زیست‌محیطی و پای‌بندی به رفتارهای مسئولانه را در آیین زرتشتی و سنگ‌نوشته‌های دوران هخامنشی را می‌توان دید. در دین زرتشت، آب، آتش، باد و خاک، ارجمندی و ورجاوندی بالایی دارند و آلودن آن‌ها گناه است. زرتشت هدف و غایت آفریدن زمین و آسمان را استفاده نیک انسان از آن، عنوان می‌کند: «خداوند این زمین را آفریده که بر اثرکار و کُنش ما پرورد و برایمان و شادی و نیک‌بختی، پدید آورد» (زرتشت، ۱۳۷۸: ۲۵۴ بخش اول: گائاه‌ها، سروده ۴۴، بند ۴). در مورد رفتار شایسته و مسئولانه با زمین و طبیعت نیز، آمده است: «وظیفه مردم آن است که با همه جدیت به کار و کوشش از راه راستی و درستی بپردازند و کشت و زرع نمایند و نعمت را بیافزایند. بر اساس چنین شیوه و روشی است که زمین، پناه‌گاه آسایش‌بخشی برای مردم می‌شود و سیری و خان و مان خوب، صلح و آرامش و ثروت برقرار می‌گردد» (همان ۷۰ سروده ۴۸، بند ۵). در مورد پاکیزگی آب‌ها و پرورش گیاهان، و حمایت چهارپایان هم، می‌خوانیم: «باور دارم دین مزدایی را که پاکیزگی آب‌ها، پرورش گیاهان، حمایت و نگهداری چهارپایان را آموزش داد» (همان: ۱۶۵ بخش پنجم، یسنا، هات ۱۲). رفتارهای زیست‌محیطی درست شهروندان یک جامعه در کاستن معضلات محیط شهری خود، نقش مهمی دارد. بالا بُردن آگاهی و اطلاعات در مورد مشکلات زیست‌محیطی، باعث می‌شود؛ شهروندان احساس مسئولیت کنند و درکاستن از آن‌ها همیاری و مشارکت داشته باشند. تحقق این رفتارها به معنای داشتن شهروندانی مسئول و آگاه به محیط زیست است. «بنابراین بررسی و شناسایی عوامل

مؤثر بر رفتارهای محیط زیستی شهروندان، امری ضروری است» (برک‌پور و جهان‌سیر، ۱۳۹۵: ۵۸). اثرات فعالیت‌های آدمی بر زیست‌گروه، به خاطر تخلیه یا دفن زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی و پسماندهای خطرناک و سمی در زمین‌های اطراف شهر به آلوده شدن خاک، انجامیده است. کسی نمی‌تواند مُنکر این مسأله باشد که پیدایش چنین صدمات جبران‌ناپذیری، طبیعی و بدون دخالت آدمی است. «اشتباهاتی که در افکار، نگرش و رفتارهای انسان در نتیجه فعالیت‌هایش روی گره زمین به وجود آمده، یکی از علل اصلی خساراتی است که محیط زیست؛ مُتحمل آن گردیده است» (احمدیان و حقیقتیان، ۱۳۹۵: ۵۵). در این ارتباط، شناسایی علل و عوامل فردی و اجتماعی اثرگذار بر رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان، اهمیت دارد. گفتنی است بین نگرش زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی، رابطه وجود دارد. هم‌چنین بین دانش و آگاهی زیست‌محیطی و رفتارهای زیست‌محیطی. در این پژوهش، کوشیده‌ایم به بررسی مواردی از داستان‌های مُنتخب زنان دهه ۹۰ که مشکلات و مسائل زیست‌محیطی و رابطه میان دانش و نگرش زیست‌محیطی با رفتار زیست‌محیطی را تبیین کنند؛ پردازیم.

۲- مباحث نظری

بوم‌زیست (Ecology) از دو واژه بوم و زیست، حاصل شده است. بوم به معنی جا، مکان، ناحیه و سرزمین است و زیست به معنای زندگی و حیات که هم مربوط به انسان است و هم مربوط به بوم، معنای زیست‌بوم، جاری بودن حیات در جایی و مکانی است. در تعریف «بوم‌زیست» آمده است: «هرگاه مکان و کیفیت زندگی در تلاقی با یکدیگر، سبب شکل‌گیری گزاره‌هایی شوند که بر اثر انتقال از یک وضعیت به وضعیت دیگر به دست آیند، با نشانه بوم‌زیست مواجه‌ایم. عناصر شکل‌دهنده بوم‌زیست‌ها، انسان، مکان و کیفیتی است که به مکان، نسبت می‌دهیم. بوم‌زیست را می‌توان مکانی یا به نقل از آگستون پرک (Augustine Berque)، مزولوژی (Misology) دانست که به معنای قابلیت انتقال، حرکت، حضور و تحوّل در یک مجموعه است» (شعیری و سید ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۶۹). به بیانی ساده، نقد بوم‌گرا، مطالعه پیوند میان ادبیات و محیط فیزیکی است. همان‌گونه که نقد فمینیستی، زبان و ادبیات را از منظر خودآگاهی جنسی، واکاوی می‌کند و نقد مارکسیستی، نکاتی درباره گونه‌هایی از تولید و طبقه اقتصادی را برای خوانش خویش از متون پیش می‌کشد، نقد زیست‌بوم‌گرا، دیدگاهی زمین‌محور به مطالعات ادبی، می‌بخشد. (Glotfelty and Fromm, 1995: XV3). ریچارد کریج (Richard Keridge)، هدف از این نوع نقد را در اثر مشترک خود با نیل سملز (Neill Sammells)، به نام نگارش محیط زیست این گونه بیان می‌کند: یک منتقد زیست‌بوم‌گرا، اندیشه‌های زیست‌محیطی و بازآفرینی‌های آن را در تمام مظاهرش دنبال می‌کند تا بتواند به طور واضح، درباره آن بحث و گفتگو کند. چرا که اغلب به نظر می‌رسد، این مسأله در فضای فرهنگی، پنهان شده است. از همه مهم‌تر، نقد زیست‌بوم‌گرا، به دنبال بررسی متون و اندیشه‌ها از لحاظ انسجام و سودمندی آن‌ها در برابر پاسخی به بحران‌های زیست‌محیطی است. در نقد بوم‌گرا، اولویت اصلی با انسان نیست، بلکه تمرکز بر محیط زیست و ارتباط آن با عناصر دیگر است: «هدف نقد زیست‌بوم‌گرا، گسترش مرزهای امپراطوری بشر نیست. به باوری «هدف اصلی بوم‌گرایی در ادبیات، شناخت ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی است که یک اثر را محصول زیست‌بوم خود، معرفی می‌کند. در واقع، نویسنده از عناصر اصلی پیرامون خود، برای بیان خواسته‌ها، آرزوها و امیال خود، بهره می‌جوید» (شُرادی، زندگی، گیاثیان، ۱۳۹۷: ۱۰۵). جنبش بوم‌شناختی، به دنبال اصلاح ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود نیست، بلکه سوالات هستی‌شناسانه‌ای با مرکزیت خودشناسی و تساوی بوم‌شناسانه (Eco centric Egalitarianism)، مطرح می‌کند. می‌توان گفت، نگرش زیست‌بوم‌گرایی، نوعی انقلاب فکری و انگاره جدید برای تحلیل بحران‌های زیست‌محیطی و جست‌وجوی راه‌کارهای جدید برای کاهش و مقابله با پیامدهای آن است. در چارچوب این انگاره جدید، انواع نظریه‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌های تازه در عرصه‌های مختلف، مثل اقتصاد زیست‌محیطی، سیاست سبزها، فمینیسم بوم‌شناختی و مانند این‌ها پدید آمده است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۴). برخلاف مکتب‌های دیگر نقد ادبی، بوم‌گرایی به تکثرگرایی معتقد است و از بحث و مُجادله‌های نظری رهاست، زیرا بوم‌گرایی به چشم اندازه‌های متنوع و متفاوت، متمایل است و در روش‌شناسی گسترده‌ای که منتقدان بوم‌گرا، متون را تحلیل می‌کنند، هیچ تفرّدی پیشنهاد نمی‌شود. در بوم‌گرایی، توجه ویژه‌ای به فرهنگ و بازنمودهای آن در جوامع انسانی شده است. بر همین اساس مطالعه فرهنگ و تولیدات فرهنگی، مانند: آثار هنری، آثار مکتوب و... در این جریان، اهمیت دارد. لارنس بول (Learns Buell)، بوم‌گرایی را بررسی ادبیات و نقد علمی از دیدگاه محیط زیست، تعریف می‌کند. یکی از زمینه‌های مطالعاتی در نقد بوم‌گرا تغییر و تحولاتی

است که در طول تاریخ در نگرش انسان، نسبت به محیط زیست و جهان و پدیده‌های طبیعی به وجود آمده و در ادبیات به اشکال گوناگون، منعکس شده است. برای مثال تغییر نگرش انسان نسبت به شب و ستارگان یا تغییر نگرش و ادراک بشر نسبت به بیابان در طول تاریخ است. «جغرافیای زیستی در تنوع نگرش‌ها نسبت به پدیده‌های طبیعی مؤثر است؛ برای مثال نگرشی که انسان کویرنشین به طبیعت و خورشید دارد با نگاه انسانی که در منطقه سردکوهستانی زندگی می‌کند، متفاوت است. نقد بوم‌گرا همچنین به تأثیر نگرش‌های جنسیتی، نژادی، فرهنگی، دینی، فلسفی در ارتباط انسان با طبیعت می‌پردازد» (پارساپور، ۱۰۱۳۹۲). نقد بوم‌گرا از مباحث مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه ادبیات و محیط زیست است که ارتباط انسان و محیط زیست را در آثار ادبی، مورد بررسی قرار می‌دهد و به چگونگی انعکاس عناصر محیط‌زیست در حوزه‌های مختلف جغرافیایی در متون ادبی می‌پردازد. از میان گونه‌های مختلف ادبی، ژمان و داستان، قابلیت بیش‌تری برای مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات، نقد اقلیمی و... دارند و بومی‌گرایی از ویژگی‌های بارز ادبیات معاصر است و به مسائل عینی محیط و تجربیات زیستی نویسنده و وجوه مختلف فرهنگ جوامع توجه می‌کند. هنر و ادبیات را در کنار گفتمان‌های انسانی دیگر همچون: علم، معرفت دینی، گرفتار روزانه و... می‌توان یکی از مهم‌ترین منابع شناخت انسان از خود و روابط بین انسانی جهان پیرامون، اعم از جهان طبیعت و جهان اجتماع انسانی، دانست. ادبیات با ایجاد سوژه‌ها یا شخصیت‌های تخیلی، هم در «خواننده» - که ذهنیتش را متن تعیین می‌کند - هم در سطح ثانوی در «متن ادبی» نوعی ذهنیتی ایجاد می‌کند که در تولید مفاهیم و ارزش‌های جدید و حتی دگرگونی در مفاهیم گذشته، نقش بسزایی دارد. دانش محیط زیستی: شامل اطلاعاتی است که افراد درباره محیط زیست، بوم‌شناسی سیاره زمین و تأثیرکُنش‌های انسانی بر روی محیط زیست؛ دارند. (Arcury, 1990: 304). رفتار زیست‌محیطی: رفتار مثبت و مسئولانه در برابر محیط زیست است که در آن، کُنش‌گر اگر از محیط زیست؛ حفاظت نمی‌کند، حداقل به آن آسیب نمی‌رساند (ر.ک. فاضلی و جعفری، ۱۳۹۱۳۹۲). در تعریفی دیگر آمده است: «رفتار زیست‌محیطی، رفتاری است که فرد در برخورد با محیط زیست از خود بروز می‌دهد. افراد هر اجتماع بر حسب شرایط و مقتضیات اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی خود، برخورد نسبتاً متفاوتی به محیط زیست دارند.» (نواج و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹). رفتارهای زیست‌محیطی، ضمن این‌که بر بیش‌تر مسائل و تهدیدات زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارند؛ خود نیز از عواملی، تأثیر می‌پذیرند.» (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). از نظر مفهومی «رفتارهای زیست‌محیطی، مجموعه‌ای از کُنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط زیست شامل شود.» (عقیلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۷). نگرش محیط‌زیستی: مجموعه‌ای از احساسات خوش‌آیند یا ناخوش‌آیند در مورد ویژگی‌های محیط فیزیکی یا مسائل مربوط به آن است (ر.ک. صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷۸). ارزش‌های زیست‌محیطی: ارزش‌های اساسی شخصی است که بر جهان‌بینی و باورهای کلی فرد در ارتباط با محیط زیست، مؤثرند و این باورها نیز متعاقباً باورها و نگرش‌های خاص‌تر را شکل می‌دهند (ر.ک. فاضلی و جعفری صالحی، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

۳- بحث و بررسی

مطلق در این بخش، مشکلات و مُعضلات و مسائل زیست‌محیطی در داستان‌های مُنتخب زنان دهه ۹۰، بررسی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه و نگرش‌های مثبت و ارزش‌های زیست‌محیطی، واکاوی و بررسی شده است. در مواردی که نویسندگان، به بررسی علل و اسباب و ریشه‌های این معضلات، پرداخته یا راه‌کاری به دست داده‌اند، اشاره شده است. ملاک بررسی، حرف اول نام خانوادگی نویسندگان بوده است.

الف. «زمان زوال» اثر شهره احدیت

سیگار کشیدن و عوارض آن در این داستان بلند بازتاب دارد: «منصور، چای و شیرینی‌اش را می‌خورد و دست می‌کند تو جیب کُنش، لابد دنبال پاکت سیگار می‌خواهد بگوید: این جا نمی‌شود، نفسم می‌گیرد. نمی‌گوید. حوصله سر و کله زدن سر سیگار را ندارد. مهم نیست که نفسم بگیرد و تا صبح، سُرفه کند» (احدیت، ۱۳۹۷: ۷۱).

ب. «نی‌نا» اثر شیوا ارسطویی

یکی از رفتارهای غیرمسئولانه که در این داستان بدان اشاره می‌شود، پرت کردن ته‌سیگار از پنجره به بیرون توسط سیروس است: «سیروس، ته‌سیگار را از پنجره، پرت کرد توی حیاط. نینا ندیده بود سیروس، ته‌سیگار را پرت کند جایی، حتی توی حیاط. هرکجا که می‌رفت زیرسیگاری اش را هم می‌برد. وقت رانندگی هم، سیگار را در زیرسیگاری ماشین خاموش می‌کرد» (ارسطویی، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

پ. «اتفاق» اثر گلی ترقی

گیاه‌خواری یکی از موضوعات مطرح شده در این داستان است: «مادرش [شادبانو] اعتقاد به آشپزی ساده داشت. ساده و سالم: سبزیجات پخته، مرغ یا ماهی آب‌پز، پدرش گیاه‌خوار بود و شکمش را با میوه و سبزیجات خام و حبوبات پُر می‌کرد» (ترقی، ۱۳۹۷: ۱۴). آلودگی محیط‌زیست با پسماندهای شهری نیز از موضوعاتی است که در این داستان، بازتاب دارد: «گره‌ای گرسنه، دل و روده کیسه‌آشغال را بیرون کشیده بود» (همان: ۷۲). در مورد آلودگی ساحل دریاهای ایران نیز آمده است: «بوی بدی از ساحل می‌آمد. همه جا پُر از پوست هندوانه، آت و آشغال و پاکت‌های پلاستیکی بود. زنی ایستاده بود کمی دورتر و دماغش را گرفته بود. شادی گفت: بوی لاشه می‌آد. از چیه؟ زن گفت: از چاه مستراح! فکرش بکنین. آب دریا بالا اومده، رفته تو مستراح‌های بی‌در و پیکر و به ردیف دست‌شویی‌های سمت چپ ساحل اشاره کرد. هرچی نجاست بوده؛ آورده ریخته توی ساحل. دریا به گند کشیده شده. من که پام توی آب نمی‌ذارم.» (ترقی، ۱۳۹۷: ۲۲۶). در این داستان به تهدیدات زیست‌کره شده است: «احتمال جنگ اتمی، بروز بیماری‌های مرموز، ازدیاد جمعیت، زلزله، بلاهای طبیعی و کمبود آب، بشریت را تهدید می‌کرد» (همان: ۲۰۵).

ت. «سنگ سیاه روی سنگ سفید» اثر نگار تقی‌زاده

از موضوعات قابل بررسی از دیدگاه بوم‌زیست، خوردن غذاهای کنسروی به جای پختن غذاهای سالم است که علاوه بر این که می‌تواند به سلامت جسم آسیب بزند، پسماند ظروف یک‌بار مصرف کنسروهاست که موجبات آلودگی زیست‌بوم را فراهم می‌آورد: «یادش نمی‌آید آخرین بار چه موقع غذا پخته، حتی طعم غذاها را فراموش کرده است. زمان کش می‌آید و به نتیجه‌ای دست نمی‌یابد. هر بار که گرسنگی به سراغشان آمده، غذای کنسرو شده را بدون گرم کردن، باز کرده و خورده‌اند. سهراب، اکثراً نصفه‌های شب، بیدار می‌شود و در تاریکی، مثل موجودی غریبه که شب‌ها به سراغ غذاهای مانده می‌آید، کنسرو را با چاقو باز می‌کرد و سر می‌کشید. تی‌شرت او تابلویی از آثار غذاهای خشک شده بود. یک شب وقتی خورشید، کنسروی را باز می‌کرد، گریه‌اش گرفته بود. احساس کرده بود، هویتش را به عنوان انسان، فراموش کرده است. غذا را به همراه بغض قورت داده بود. غذای سرد، همراه چاشنی بغض. هر هفته، کیسه‌های پُر شده از قوطی‌های رنگی را از پله‌ها پایین می‌برد. گاهی نایلون پاره می‌شد و قوطی‌ها با صدای دل‌خراش، روی پله‌ها سرازیر می‌شد» (تقی‌زاده، ۱۷۱۳۹۰).

یکی دیگر از موضوعات مطرح در زمینه زیست‌بوم، رها شدن زباله‌های شهری است که به صورت ته‌ج‌آوری روی هم انباشته شده و باعث شده تا انبوه مگس‌ها روی آشغال‌ها بنشینند: «بوی زباله‌ها در کوچه پیچیده بود و به قدری تند بود که حالت ته‌ج ایجاد می‌کرد. سهراب دهان و بینی‌اش را گرفت. فقط او بود که جلوی دهانش را گرفت. به نظر می‌رسید دیگران به بو عادت، کرده بودند. وقتی از جلوی خانه گذشتند با انبوه مگس‌هایی روبه‌رو شده بودند و به قدری تعدادشان زیاد بود که گویی دور جسد، جمع شده‌اند» (همان: ۷۲).

آلودگی صوتی نیز از دیگر موضوعات زیست‌محیطی است که در این داستان بدان اشاره می‌شود: «[سهراب] در طول راه، مُدام دستش را روی بوق که در فرمان است می‌کوبد» (همان: ۷۶). در بخش دیگری از داستان نیز به آلودگی هوا و آلودگی صوتی که توسط بوق‌های ممتد ماشین‌ها ایجاد شده، اشاره شده است: «[بلور] دیر کرده بود. ساعت از دو می‌گذشت و او هنوز داخل ماشین بود. به عقربه‌های ساعت، نگاه کرده بود ولی اشتباه حدس زده بود. هوا آلوده بود و غبار سیاه رنگی در آسمان موج می‌زد. شمارش‌گر چراغ راهنمایی روی عددی ثابت، مانده بود و بوق ماشین‌ها به نشانه اعتراض در خیابان می‌پیچید. هوای داخل مینی‌بوس، دم کرده و خفه بود» (همان: ۱۲۵). استفاده از هوای سالم بیرون از خانه راه حلی است که در این داستان، مطرح شده است: «چند هفته می‌شد که

از خانه پا بیرون نگذاشته بود [خورشید]. هوای تمیز و خنک زمستان به درونش نفوذ می‌کند. تصمیم می‌گیرد، پیاده برود و از این هوا لذت ببرد. هوا سرد بود و برف‌ها یخ بسته بود، ولی برای خورشید بعد از روزهای مُتمادی، تنفس هوای یکسان و دم کرده‌خانه، هوای بیرون تازگی داشت» (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

از موضوعات دیگر زیست‌محیطی مسأله از بین رفتن کره زمین توسط ابرقدرت‌ها به واسطه جنگ است. رها، عکاسی است که به همراه دوستانش، سعی دارد با قدرت عکس‌هایش، کره زمین را از خطر نابودی نجات دهد: «[رها] به تابلوی روی دیوار نگاه می‌کند. پسر بچه‌ای با نمای درشت در کادر ظاهر شده، پشت او ویرانه‌ها و خرابه‌ها به چشم می‌خورد و چشمان پسر بچه به جایی در دور دست‌ها خیره شده است. آیا او موفق شده؟ از خود می‌پرسد: آیا توانسته دنیا را با عکس‌هایش نجات دهد؟ مدتی است به شغل، دنیا و هرآنچه در اطرافش است؛ شک می‌کند. ابر قدرت‌ها، انسان‌ها و زمین را نابود می‌کنند و به جای خانه‌های آباد، مُشتی خاک و تل به انسان‌ها هدیه می‌کنند. آن‌ها را با اجساد تنها می‌گذارند و به آن‌ها امید می‌دهند که هر یک از شما می‌توانستید به جای اجساد باشید؛ ولی حالا زنده هستید و زندگی پیش روی شماست» (همان: ۱۶۸). پاسخ این نکته که آیا رها و دوستانش توانسته‌اند با گرفتن عکس، کره زمین را نجات دهد، در خود کتاب اینگونه داده شده است: «رها و دوستانش به دنبال ویرانه‌ها و انسان‌های تکه تکه شده می‌روند تا عکس بگیرند و گزارش تهیه کنند با هدف «جنگ دیگر بس است». چند دهه است که این بازی ادامه دارد و او امروز از آرزوی «جیمز نجوی» شدن، خسته شده و پا به مرحله دیگر نهاده است. پا به خاکی نهاده است که هر آن ممکن است فرو بریزد. زندگی، عشق و آرزوهای خود را از دست داده است. او دیگر قادر نیست با صحنه‌هایی که دیده است شور و شوق سابق خود را باز یابد. بی‌آنکه بداند چه در انتظارش است؛ پیش می‌رود» (همان: ۱۶۹-۱۶۸).

چند صفحه بعد رها خود اذعان می‌کند که نمی‌تواند با عکس‌هایش دنیا را نجات دهد: «رها تبدیل به انسانی دیگر شده. خود را گم کرده و دیگر نمی‌تواند با عکس‌هایش دنیا را نجات دهد. اهدافش مانند نگاتیوهای نور خورده می‌ماند. هر چه که داشته زیر خاک، دفن کرده است» (همان: ۱۷۳). رها با عکس‌هایی که از مناطق جنگی گرفته، به این موضوع پرداخته است: «[رها] می‌خواهد فریاد بزند تا مردم را بیدار کند و از جایی که می‌آید به آن‌ها خبر بدهد. از وضعیت مردمی که شاید حالا دیگر وجود نداشته باشند. نگاتیوها دست نخورده در کیف دوربین باقی مانده بود. آن‌ها موفق نشده بودند از مرز جلوتر بروند. چند سرباز به زبان بیگانه حرف می‌زدند و اسلحه خود را به سمت آن‌ها گرفته بودند. چند کامیون حاوی مواد غذایی کنار مرز در انتظار بود. ساعت‌ها در جاده خاکی می‌نشستند و به سربازها نگاه می‌کردند و می‌خندیدند» (همان: ۱۷۴). اما بر خلاف ناامیدی رها، عکس‌های او در بیداری مردم دنیا، بسیار تأثیرگذار بوده است. یکی از عکس‌های رها صحنه‌ای دلخراش از جنگ را به تصویر کشده است: «عکس زنی سیاه‌پوش که پشت به دوربین است و زمین را چنگ می‌زند. هنوز هم چشم‌های زن را به یاد دارد. در میان سنگ و خاک به دنبال نوزادش بود. خاک از خون انگشتانش رنگین شده بود. زن کودکش را می‌خواست» (همان: ۱۷۷).

ث. «ما این جا داریم می‌میریم» اثر مریم حسینیان

آپارتمان نشینی یکی از ره‌آورد‌های مدرنیسم است که آدم‌ها را از خانه‌های بزرگ و دل‌باز به لانه‌های دل‌گیر هفتاد متری کشانده است: «خانه که نیست. لانه ساخته‌اند هفتاد متر، اسمش را گذاشته‌اند آپارتمان» (حسینیان، ۱۳۹۵: ۹). آلودگی محیط بیرون خانه از موضوعاتی است که در این داستان نمود دارد: «آشغال‌ها شده بودند معدن سوسک، ولی خانه آن‌ها سوسک نداشت» (حسینیان، ۱۳۹۵: ۱۶). سیگار نیز به عنوان یک آلاینده زیست‌محیطی و آسیب‌رسان به سلامتی در این داستان، بازتاب یافته است: «روزگار می‌توانست خیلی به‌تر از این باشد، اگر آقا جان بیش‌تر دوام می‌آورد و خودش را با سیگار پشت سیگار خفه نمی‌کرد.» (همان). در بخش دیگری از داستان نیز به ترافیک شهری و این‌که ماشین‌های تک سر نشین باعث افزایش آلودگی هوا می‌شوند، اشاره شده است: «ترافیک، امان همه را بریده بود. هیچ‌کس به خودش زحمت نداده بود که دست کم یک روز ماشین نی‌آورد بیرون. مثلاً آن دخترهای قرتی با ناخن‌های دراز و شال‌های رنگی فرق سرشان چه گهی می‌خورند پشت فرمان؟ سینه‌اش می‌سوخت. شاید قانون هوای آلوده، شامل حال او هم می‌شد» (همان: ۳۸). در بخشی از داستان هم به سُرَب و عوارض آن بر سینه و آلودگی هوا این‌گونه اشاره می‌شود: «همین تازگی‌ها توی اخبار شبکه سلامت، شنیده بود که شیر کم‌چرب برای از بین بردن سُرَب ریه، خوب است. وقتی توی ریه مردم، سُرَب باشد، حالا چه فرقی می‌کند، احمدی نژاد باشد یا محسن رضایی؟ یا حداد عادل؟ و...» (همان: ۳۹).

ج. «حوالی خیابان سی تیر» اثر رکسانا حمیدی

اولین موضوعی که در این داستان، نمود دارد ترافیک و آلودگی هوا می‌باشد: «عصرها پیش از نا امید شدن کلاخ‌ها از انحناى روز این را چه کسی گفته بود از شرکت بیرون می‌زنم. زودتر می‌روم تا مثلاً به ترافیک سنگین و غروب‌های پاییزی برنخورم. فکرکن غروب باشد از آن غروب‌های سرد پاییزی آن وقت تو در ماشین‌های تنگ، گیرکرده و بوی حال به هم زن آگروزها مانده باشی. از غروب‌های پاییز و زمستان می‌ترسم. در آن ساعت‌ها نمی‌خواهم در خیابان‌ها باشم» (حمیدی، ۱۳۹۶: ۶).

ج. «ساعت ویرانی» اثر آرام روانشاد

سیگارکشیدن در فضاهای بسته از قوانین موضوعه برای رعایت حقوق شهروندی است و آسیب‌های جدی برای سلامتی فرد و جامعه و زیست‌بوم است نه تنها در این داستان رعایت نمی‌شود، بلکه به صورت توهین‌آمیزی مورد اعتراض قرار می‌گیرد: «مرد چرا هی می‌زنی تو پاهام؟ بیا برویم بیرون سیگار بکشیم. نمی‌دانم این چه قانون مزخرفی است که این‌جا گذاشته‌اند که نمی‌شود داخل کافه، سیگارکشید؟ کافه عشقش به قهوه و سیگار است. به قول جیم جارموش کبیر: قهوه و سیگار. آخر قهوه بدون سیگار؟» (روانشاد، ۱۳۹۳: ۹۷). اما رفتار نادرست و سخت‌گیری‌های پدر مرجان در مورد سیگار کشیدن بچه‌ها - که آن‌را خط قرمز خود می‌داند - باعث می‌شود، بچه‌ها از روی عصیان هم که شده، سعی کنند سیگار را تجربه کنند: «پدر گفته بود: اگر یک روز سیگار توی دستت ببینم، روز مرگت است. سیگار کشیدن برای من برابر است با آدم کُشتن. اگر روزی لب به سیگار زدید خودتان گورتان را گم کنید و بروید و راست این خانه پیدايتان نشود. بوی گند سیگار برای من، مُتعفن‌تر از بوی مُرده روی زمین است. هرکسی می‌آمد خانه ما می‌دانست سیگار کشیدن تا شعاع چند کیلومتری خانه ما ممنوع است. روزی که این قانون را برای من و مهران وضع کرد؛ نمی‌دانست یک چیزی وجود دارد به اسم یواشکی کاری را انجام دادن و هرگز نفهمید مهران و من، اولین سیگار زندگی‌مان را هفته بعدش کشیدیم.» (همان: ۲۰۵-۲۰۴).

ح. «هست یا نیست» اثر سارا سالار

در بخشی از داستان به سیگار و خطر ابتلای به سرطان این‌گونه اشاره می‌شود: «دکتر شمس سیگارش را روشن می‌کند و چنان پُک عمیقی می‌زند که آدم فکر می‌کند الان است دود از تک تک سلول‌های بدنش، بیرون بزند. می‌گوید: مسخره است از پرواز می‌ترسم اما از سیگار نمی‌ترسم. شاید هیچ وقت هواپیما سقوط نکن ولی شاید این که روزی به بسته سیگار می‌کشم، باعث بشه سرطان بگیرم» (سالار، ۱۳۹۲: ۳۵).

دوست داشتن جهان هستی و عشق ورزیدن بدان از موضوعات زیست‌محیطی دیگری است که در این داستان، بازتاب دارد: «جهان هستی را دوست دارد که می‌تواند این قدر آرام و مهربان باشد، جهان هستی را دوست دارد که می‌تواند این قدر آرام و مهربان باشد، جهان هستی را دوست دارد که می‌تواند به یک مورچه، همان‌طور نگاه کند که به یک آدم نگاه می‌کند» (همان: ۸۰).

انواع آلودگی هوا نیز از موضوعاتی است که در این داستان، نمود دارد: «صورت‌م را برمی‌گردانم طرف پنجره و سعی می‌کنم با تماشای اتوبان خودم را سرگرم کنم. با اینکه امروز این همه برف آمده باز هم به نظر می‌رسد هوا پُر از دود است. آلودگی هوا، آلودگی صدا، آلودگی نور، یک مجموعه کامل برای تصویرهای افلاتونی قرن بیست و یکم. برج میلاد، تاریک و دراز، انگار به زور خودش را نگه داشته و دارد تظاهر می‌کند که نوکش طرف آسمان است» (همان: ۱۶۵).

خ. «آن مادران این دختران» اثر بلقیس سلیمانی

اولین موردی که در این داستان جلب توجه می‌کند هدر رفتن آب شیرین آشامیدنی است که به خاطر ترکیب‌های لوله‌های آب شرب تهران در اثر زلزله اتفاق افتاده است: «از لوله شکسته ساختمان آب زلال و پاکیزه روانه گودال می‌شود. کسی به اداره آب خبر داده؟ زن رنگ پریده بغل دستش که بارها او را در کوچه دیده با

صدای لرزانی می‌گوید: حتماً خبر دادن. آب داره هدر می‌ره. با خودش گفت، آهسته زیر لب. چه می‌شد اگر همسایه‌ها می‌توانستند ظرف و ظرفشان را بیاورند پُر آب کنند و نگذارند آب زُلال، آب تهران، هدر برود» (سلیمانی، ۱۳۹۹: ۱۲).

آقا بیژن، همسایهٔ ثریا خانم شخصیت اصلی داستان، علت اصلی زلزلهٔ قریب الوقوع شش ریشتری تهران را همین آب‌هایی می‌داند که تهرانی‌ها مصرف می‌کنند: «حتم این بار بلند گفته بود آب دارد هدر می‌رود که آقا بیژن گفت: اصلش تهران روی باتلاقه. سر کار خانم، فکر می‌کنید این آب‌هایی که تهرانی‌ها مصرف می‌کنن کجا می‌ره؟ توی زمین، بله توی زمین، خدا اون روزی رو نیاره که یه زلزلهٔ شیش ریشتری این شهر بلرزونه» (همان: ۱۳). و مأموران ادارهٔ آب علت نشست و ترکیدگی لوله‌های آب تهران را پوسیدگی سیستم آبیاری عنوان می‌کنند: «سر و کلهٔ مأموران آب که پیدا می‌شود، همهٔ زن‌ها بالا می‌گیرد. کی آب وصل می‌شود؟ آب خوردن را از مغازه‌ها می‌خرند، درست، آب شستشو را از کجا بیاورند؟ اصلاً علت همهٔ این نشست‌ها، پوسیدگی سیستم آبرسانی تهران است. نیست که اینجا که همین سی سال پیش اصلاً نبوده، بیلاق تهرانی‌ها بوده، باغ بوده و در و دشت. قنات داشته منطقه، احتمالاً این نشست به خاطر قنات قدیمی جنت آباد است. نه این که اینجا روی گسل کن است، تکانی کوچک و نامحسوس، باعث این خرابی شده حالا باز خدا را شکر، تلفات جانی نداشته و خسارات چندانی به آپارتمان‌ها وارد نشده» (همان: ۱۴). خشک‌سالی هم به عنوان یک بحران زیست‌محیطی در این داستان بلند، نمود دارد: «پیرهای پارک بزرگ مهر هم با عصاها و کلاه‌های جوانانه‌شان یک‌جا ایستاده‌اند و مثل همیشه تحلیل‌های مفصل و عمیق از خشک‌سالی که حالا مساله‌ای امنیتی شده می‌کنند» (همان: ۱۹). در ادامه داستان، ثریا می‌گوید: «راست می‌گن خشک‌سالی داره دمار از روزگار مردم درمی‌آه؟ می‌گن تا چند سال آینده، کُلی روستایی سکنه می‌شه. مرد می‌گوید: شدند خانم. اخبار گوش نمی‌دین؟ حرف از هزاران روستای تخلیه شده است» (همان: ۲۲).

آبیاری سبزیجات با فاضلاب نیز از موضوعات زیست‌محیطی مطرح در این داستان بلند است: «سر و کلهٔ غده که پیدا شد با خودش گفت باعث و بانی اش این زندگی سگی در تهران است. اگر همان سی سال پیش برگشته بود گوران حالا به این جا نمی‌رسید، بعد گشت دنبال مقصّر. اولین چیزی که از خرید هفتگی اش کم کرد سبزی‌های دسته‌ای بود. همان‌ها که بارها این جا و آن جا شنیده بود و خوانده بود که با آب فاضل آب آبیاری می‌شوند. آنا اعتراض کرد و مسخره‌اش کرد و گفت: مادر من، فردا سرطان روده و مثانه و کوفت و زهر مارم می‌گیریم آگه تا به حال نگرفته باشیم» (همان: ۲۹).

جالب این است که به راهکار برطرف کردن این مشکل هم در این داستان، اشاره می‌شود: «دو هفته سبزی دسته‌ای نگرفت، هفتهٔ سوم گرفت منتهی حالا اول سبزی‌ها را با ریکا می‌شست، بعد تمیزشان می‌کرد. بعد با مادهٔ ضد عفونی کننده، می‌شستشان و بعد یک ربع می‌گذاشتشان در آب و نمک.» (همان: ۳۰). ریزگردهای غرب و جنوب غرب کشور و مالچ‌پاشی و خشک شدن تالاب‌ها از دیگر موضوعات زیست‌بومی است که در این داستان بلند بدان تأکید می‌شود: «آنا جای می‌آورد و با احسان دربارهٔ ریزگردهایی که چند روزی است غرب و جنوب غربی ایران را درگیر کرده حرف می‌زند. آنا از خشک شدن هور العظیم و تالاب‌ها می‌گوید و احسان از مالچ‌پاشی و جنگ سوریه و عراق» (همان: ۷۹).

تشویق دانش آموزان به حفظ محیط زیست از طرف معلم، سرکلاس از موضوعاتی است که در این داستان بلند بدان پرداخته شده است: «گاهی شاگردهایش را در اتوبوس‌های خط واحد دیده و با آن‌ها سلام و علیک کرده، آنا فردایش سر کلاس یک فصل مستوفی دربارهٔ شهروند خوب بودن و حفظ محیط زیست صحبت کرده بود» (همان: ۱۰۲). نابودی مراتع و جنگل‌ها نیز از موضوعات زیست‌محیطی است که در این داستان بلند، بازتاب دارد: «کوه گرگ و میشان پُر بود از گیاهان دارویی و معطر و علف‌هایی که شیر گوسفندها را زیاد می‌کرد. شیر که معطر می‌شد، ماست و پنیر هم معطر می‌شد و خاصیت دارویی پیدا می‌کرد. کُل استان کرمان این‌را می‌دانستند. برای همین محصولات دامی گوران در استان، خواهان زیاد داشت و آن‌را ملکه و اسحاق می‌دانستند. در بعضی مناطق کوه گرگ و میشان چرا ممنوع بود. برای همین هم هدیه‌ها را می‌آوردند تا اسحاق چشم به روی ورود گله‌هایشان به این منطقه ببندد که می‌بست. البته گاهی هم برای خالی نبودن عریضه دام‌دار خرده‌پایی را خفت می‌کرد و گزارش مفصلی از نقض حریم به ادارهٔ جنگل‌بانی بافت می‌فرستاد. موضوع هیزم‌کش‌ها و هیزم‌کشی برای عروسی و روضه خوانی‌ها فرق می‌کرد. بیش‌ترین زحمت را هیزم‌کش‌ها به اسحاق می‌دادند. معمولاً آدم‌های فقیر و بیچاره‌ای بودند که با خر یا خرهایشان به کوه گرگ و میشان می‌رفتند و از تنهٔ بادام‌های کوهی و درخت‌های پنهٔ خشک شده هیزم برای این و آن می‌آوردند. آنا مگر این کوه چقدر هیزم خشک شده داشت؟ برای همین هم می‌افتادند به جان بادام‌های جوان و سرزنده و با تبر و اژه آنا را به باری از هیزم تبدیل می‌کردند. اسحاق دشمن این گروه بود. اصلاً حقوق

می‌گرفت که از درختان این کوه محافظت کند برای همین هیزم کش‌ها مدام با موش و گربه بازی می‌کردند. بعضی سرش را در جایی از کوه، گرم می‌کردند تا هم قطارهایشان در جای دیگر بار هیزمشان را آماده کنند. بعضی‌ها از راه‌های فرعی و مال‌رو بارشان را به گوران می‌رساندند. بعضی هم شب‌کار بودند سر شب می‌رفتند کوه، صبح سحر برمی‌گشتند... اما قضیه آن‌هایی که با تریلی و تراکتور هیزم برای عروسی‌ها و روضه‌خوانی‌ها می‌آوردند؛ فرق می‌کرد. آن‌ها چند روز زودتر خیالی رسمی می‌آمدند خانه اسحاق و اجازه می‌گرفتند به کوه بروند... آن‌هایی که برای عروسی هیزم می‌خواستند با آن‌هایی که هیزم برای مجالس روضه‌خوانی می‌خواستند؛ فرق داشتند. آن‌ها که برای عروسی، هیزم می‌آوردند همراه یک پاکت، که ملکه بدون آن که داخل آن را نگاه کند؛ می‌فهمید چقدر در آن هست، یک جعبه شیرینی هم می‌آوردند. اسحاق هم بسته به سنگینی پاکت، اجازه می‌داد چند تریلی هیزم بیاورند. این‌طور هم نبود که هیزم‌ها را در روز روشن، بیاورند، جوان‌ها با تبر و اژه شب به کوه می‌زدند. یک شب هم در کوه می‌ماندند و سحرگاه شب بعد هیزم‌ها وارد گوران می‌شد، همیشه هم کسی بود که روز بعد، اسحاق را ببیند و چُغلی کند و آدرس بدهد. در این جور مواقع اسحاق هم بازی همیشگی‌اش را راه می‌انداخت، داد و فریاد می‌کرد، گورانی‌ها را تهدید می‌کرد و از خبرچین بابت خدمش به مأمور جنگل‌بانی تشکر می‌کرد» (سلیمانی، ۱۳۹۹-۱۲۳).

د. «خواستم بگویم خون را ببین» اثر رؤیا شکیبایی

آلودگی هوای کابل از موضوعات زیست‌محیطی است که در این داستان، مطرح شده است: «از پنجره [هوایما] پایین را نگاه کردم. غبار غلیظی روی شهر را پوشانده بود» (شکیبایی، ۱۳۹۲: ۲۵). انبوه زباله‌های شهری نیز از موضوعات زیست‌محیطی است که در این داستان، بیان شده است: «تَل زباله و کثافت، گوشه خیابان آن ور میدان، توده شده بود. چه قدر آشغال؟ حتماً سال‌ها بود که کامیون شهرداری برای جمع کردن زباله نیامده بود. یک زن و مرد، کنار زباله‌ها نشسته بودند. اگر کامیون شهرداری می‌آمد، ممکن بود آن‌ها را با زباله‌ها یکی بگیرد و پرتشان کند پُشت ماشین» (همان: ۲۹). در این اثر به خطرات و تبعات جنگ و ریشه‌ها و علّت‌های آن پرداخته شده است: «طول می‌کشد جنگ از یاد آدم برود. مگر همین جنگ ایران و عراق نبود؟ چه قدر طول کشید تا مادرها، یادشان بماند که پسرشان دیگر بر نمی‌گردد یا اسیرها که برگشتند یادشان بماند که خانه آن خانه قبلی نیست و با هر صدای بلند از جا نپریم که موشک زدند. آمریکایی‌ها، تصادف هم می‌کنند، پیش روان‌پزشک می‌روند. به خودشان، شرنیک. نه ما بعد از جنگ، پیش شرنیک رفتیم نه افغان‌ها» (شکیبایی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). در ادامه داستان به ریشه‌ها و علّت‌های جنگ اینگونه اشاره می‌شود: «اگر جنگ نبود، اگر این جنگ‌ها نبودند، ما، من و هم‌خانه‌ای‌هایم، شاید هیچ‌وقت، همدیگر را نمی‌دیدیم. گفتم: شاید مرزبندی کره زمین است که باعث جنگ می‌شود. اگر آدم‌ها فکرکنند کره زمین، مال همه است. لازم نیست کسی با کسی بجنگد. راس گفت: مرز نباشد، معلوم نمی‌شود خشخاش افغانستان مال کیست؟ آن وقت سر خود خشخاش می‌جنگند. لیزری گفت: مشکل کارخانه‌های اسلحه‌سازی است. فقط آن‌ها هستند که از جنگ سود می‌برند. لین گفت: تفنگ نباشد، همه سنگ تیز می‌کنند و به جان هم می‌افتند، مثل دوران نوسنگی. راس گفت: شاید مشکل از مرزبندی کشورها نیست از آن مرزهاست که ما آدم‌ها برای خودمان درست می‌کنیم. در همین افغانستان، جنگ سر مرزبندی‌های داخلی بوده مگر نه؟ هرچه قدر بگویند تقصیر روسیه و پاکستان است» (همان: ۱۱۳).

ذ. «بوی برف» اثر شهلا شهبان

سیگار و تأثیرات سوء آن بر دستگاه تنفسی از موضوعات مطرح شده در این داستان است: «فقط دو ساعت از خوردن آخرین قرص ضد حساسیتم گذشته. هنوز آنتی‌هیستامین‌ها توی بدنم فعالند و تقریباً دو ساعت دیگر، وقت دارم تا از دود سیگار و بوی عطر و ادکلن، عطسه‌ام نگیرد و نفسم تنگ نشود و نمیرم.» (شهبان، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۷۱). سوری به عواقب کشیدن سیگار یغما آگاه است و می‌گوید: «مثل همه وقت‌هایی که آپرش بالا می‌زند با چشم‌های بسته، تلخی دود را مزه‌مزه‌کنان فرو می‌دهد. حالا حتماً دود از روی زبان تلخی گزیده‌اش سُر خورده و از سرازیری گلو رفته توی لوله نای و خودش را رسانده به ریه‌های یغما و جا خوش کرده که از سوراخ‌های دماغش، بیرون نمی‌زند. خودم را غافل‌گیر می‌کنم. باز دارم به ریه‌های یغما فکر می‌کنم به این‌که کدام یکی از ریه‌های او شکل عکس روی پاکت سیگار شده!» (همان: ۱۷۳).

ر. «خط چهار مترو» اثر لیلا فرهادپور

ساخت و سازه‌های بی‌رویه و تبدیل خانه‌های دل‌باز قدیمی به آپارتمان، بُرج و پاساژ از موضوعاتی است که در این داستان به آن اشاره می‌شود. مسأله‌ای که فضای سبز را از انسان می‌گیرد و او را افسرده و مُنزوی می‌کند: «رفتم خونه امیره، الان اونجا یه پاساژ ساختن. اما اون وقت‌ها حیاط داشتیم و یه حوض که دورش پُر از شمعدونی بود و باد، عکس ماه شب چهارده رو توش این ور و اون ور می‌برد» (فرهاد پور، ۱۳۹۳: ۳۱).

ز. «هیچ وقت» اثر لیلا قاسمی

موضوع سبزی‌خواری و کنار گذاشتن گوشت‌خواری برای حمایت از حیوانات و کمک به محافظت از کره زمین نیز در این داستان مطرح شده است. «با دهان پُر به بشقابم اشاره می‌کند و می‌پرسد: اصلاً از قیمة بدون گوشت، خوشم آمده؟ لقمه توی دهانم را نجویده، قورت می‌دهم و می‌گویم: خیلی! و از خودم، بدم می‌آید. این غذا حتی اگر از خود بهشت هم آمده باشد؛ نباید به مهشید بگویم: خیلی! می‌گوید: عجیب است که تا به حال گوشت خوردن را کنار نگذاشته‌ام. می‌گوید با توجه به مبارزه‌ام علیه کُشتن حیوانات. خنده‌ام می‌گیرد، نه که تمام این سال‌ها به گوشت‌خواری افتخار کرده باشم، ولی از یک جای دیگر، مُردن حیوان‌ها خیلی به چشم نمی‌آید» (قاسمی، ۱۳۹۲: ۷۹).

س. «شروع یک زن» اثر فریبا کلهر

سیزده بدر و بزرگداشت روز طبیعت در پارک لرلی تورنتو کانادا اگرچه یک نگرش ارزشی به طبیعت است، اما رها کردن مقادیر زیادی کاهو و سبزه سفره هفت‌سین در آب پارک لرلی از مصادیق رفتار غیر مسئولانه و آلودن محیط‌زیست و آسیب زدن به آن است: «آن روز پارک لرلی در تسخیر ایرانی‌ها بود. کاهو سکنجین و سبزه‌هایی که توی رودخانه کم آب پارک انداخته شده بود، نشان از حمله قوم آریایی در به در می‌داد» (کلهر، ۱۳۹۰: ۲۹). آلودگی کلان‌شهر تهران نیز از موضوعاتی است که در این داستان بلند، بازتاب یافته است: «دوباره پشت پنجره ایستادم [پروین شایسته] و به تهران نگاه کردم که در ساعت پنج بعد از ظهر آخرهای بهار، جلوی رویم دراز کشیده بود. به بُرج میلاد نگاه کردم که سرش در غباری کثیف و آلوده فرو رفته بود و ترحم انگیز به نظر می‌رسید» (همان: ۱۳۱-۱۳۰).

ش. «سه سکانس از پاییز» اثر مائده مرتضوی

سیگار از موضوعاتی است که هم آلودگی زیست‌محیطی را در بر دارد و هم آسیب‌های جسمی را در پی: «پس از هشدار که به فرخ داده بودم، دیگر جلوی من تماس‌های مشکوک نداشت و هر وقت که به بهانه سیگار کشیدن بیرون می‌رفت، حدس می‌زدم که می‌رود تا به آن دختره دهاتی تلفن بزند. مانند اوایل آشنایمان، دیگر عاشق حلقه‌های سفیدرنگی نبودم که با هر پُک از دهانش بیرون می‌آمد. دود سیگار، سُرفه‌هایم را شدیدتر می‌کرد» (مرتضوی، ۱۳۹۶: ۲۷). مازیار که از مضرات دود سیگار برای زن حامله آگاه است؛ می‌گوید: «بعد از غذا می‌روم توی حیاط رستوران که سیگار بکشم. دود سیگار برای زن حامله مانند سم است» (همان: ۶۳). در ادامه مازیار، صدای پدر را به یاد می‌آورد که هر وقت او، سیگار می‌کشید؛ می‌گفت: «پدرسگ! حالا دیگه سیگار می‌کشی برم؟» (همان: ۶۴). از دیدگاه مازیار «مردی که به زن سیگار تعارف کند به درد لای جرز می‌خورد و خُب زنی که سیگار می‌کشد هم، اگر همیشگی نباشد و تفریحی، یک وقت‌هایی هوس دود کردن کند، زیاد اشکالی ندارد» (همان).

ص. «پاییز فصل آخر سال است» اثر نسیم مرعشی

سیگار از آلاینده‌های زیست‌بوم و آسیب‌رسان به انسان است: «سرم گیج می‌رود. باید چای درست کنم و چیزی بخورم. پام را که از اتاق بیرون می‌گذارم، به هم‌ریختگی خانه آوار می‌شود روی تم. زیر سیگاری پُر از ته سیگار شده. بدت می‌آمد و زود خالی‌شان می‌کردی. می‌گفتی خانه بوی خوابگاه می‌گیرد» (مرعشی،

۱۴۰۰: ۱۰). ترافیک و آلودگی هوا نیز از موضوعاتی است که در این داستان بدان اشاره شده است: «می‌پیچم توی اتوبان و گیر می‌کنم میان هجوم ماشین‌ها و راننده‌های عرق کرده و بوق و هوای سنگین. این وقت ظهر، وقت ترافیک نیست. چرا نمی‌خواهد خوب بگذرد؟ ماشین درست راه نمی‌رود و پاهایم روی گاز و ترمز خوب نمی‌شینند. مگر چند وقت است رانندگی نکرده‌ام؟ کولر را روشن می‌کنم. باد گردنم را خنک می‌کند، اما صندلی با تم نمی‌سازد. جا به جا می‌شوم، مانتوم را زیر مرتب می‌کنم، صندلی را می‌کشم جلو، پُشتی‌اش را می‌خوابانم، کمر بندم را باز می‌کنم... فایده‌ای ندارد. شیشه را می‌کشم پایین تا هوا بیاید. هوا گرم است. گرم و کثیف» (مرعشی، ۱۴۰۰: ۱۸). یا «تازه، آن ملاقه هم دُب اکبر است که توی آسمان کثیف تهران فقط چند تا از ستاره‌هایش دیده می‌شود» (همان: ۶۹). تخریب محیط زیست به وسیله انسان از موضوعات مطرح شده در این داستان است: «می‌گویند از آدمی زاد هر چیزی برمی‌آید. می‌تواند دریا را خشک کند. کوه را بردارد، یا چه می‌دانم؟ درخت‌های جنگل را گیره بزند به هم. دروغ می‌گویند. بر نمی‌آید. آخرش یک مُشت بی‌شرف می‌آیند؛ گند می‌زنند به دریا‌های خشک کرده. آن وقت، باید دور بزند برود جنگل، کوه، چه می‌دانم، برود هر جا که می‌تواند گم شود. برود جایی که یادش برود دریایی بوده و او می‌خواسته خُشکش کند» (همان: ۱۷۹).

ض. «بعد از پایان» اثر فریبا وفی

یکی از رفتارهای همسو با جنبش سبز و حفاظت از کره زمین، برگرداندن باقی‌مانده سبزی و گیاه و میوه‌ها به صورت کود به طبیعت است: «اگر خانه خودم [منظر] بود تخم خربزه‌ها را می‌ریختم توی ظرفی تا بماند و کود شود. یک زمانی در جایی بودم که هیچ امکاناتی نداشت. مجبور شدم یاد بگیرم که از هیچ چیز درست کنم از آن موقع عاشق گُل و گیاه شدم» (وفی، ۱۳۹۹: ۱۴). این رفتار منظر برگرفته از باور سرخ‌پوستان آریزونا می‌باشد: «منظر، تند و تند گیلاس می‌خورد، هسته‌هایش را تا آخر می‌مکید و تمیز درمی‌آورد و گوشه‌ای می‌گذاشت. من هر هسته‌ای که دستم بیاید جمع می‌کنم. یک وقتی رفتم آریزونا پیش برادرم. مرا بُرد پیش سرخ‌پوست‌ها. مراسم سپاس‌گزاری از زمین بود. می‌گفتند هر چیزی از زمین می‌گیری، باید یک چیزی بهش پس بدهی. من هم از آن موقع تا حالا، پوست و هسته میوه، برگ درخت‌ها، تفاله چای و هر چیزی را که می‌دانم به زمین غذا می‌دهم، جمع می‌کنم؛ می‌گذارم بیوسد؛ بعد می‌برم، می‌ریزم توی جنگل. این مواد بعد دو سال تبدیل می‌شود به خاک. خاکی که خیلی مواد غذایی دارد. برادرم می‌گفت اگر نمی‌توانیم دنیا را عوض کنیم اقلاً می‌توانیم سربار زمین نباشیم و در مقابل همه امکاناتی که به ما داده چیزی به آن برگردانیم» (همان: ۱۳۹-۱۳۸). این موضوع یک بار دیگر هم در این داستان بلند بازتاب می‌یابد: «نسرین رُز قرمزی از توی باغچه چید، داد دست من که داده‌ام به منظر... منظرگل را گرفت و با چشم بسته بو کرد. یک بار خواستم از گل‌هایی که در کمپ بود و زیاد هم بود بچینم. یکی از سرخ‌پوست‌ها گفت اگر لازم است این تنباکوها را بگیر، توی زمین چال کن؛ آن وقت گُل‌ها را بچین. باید یک چیزی به زمین بدهی تا یک چیزی از آن بگیری» (همان: ۱۴۵). پاک کردن طبیعت از پسماندها و جمع کردن زباله‌های رها شده از اقداماتی است که همگام با فعالیت جنبش سبز در این داستان بازتاب یافته است: «چند تا پوست خربزه و بطری آب و دستمال کاغذی که ریخته بودند، برداشت و از پسر پرسید ظرف آشغال کجاست؟ پسر با نیش باز و دستِ دراز، تل آشغال را کمی دورتر نشان داد. منظر کیسه پلاستیکی پیدا کرد و آشغال‌های خودش و چند تا بطری ریخته روی زمین را جمع کرد ریخت تویش و بُرد و گذاشت روی بقیه و آمد توی ماشین که سوار شده بودم و منتظرش بودم» (وفی، ۱۳۹۹: ۱۵). در بخش دیگری از این داستان، منظر در قبرستان وادی رحمت به جمع پسماند و پاک‌سازی محوطه می‌پردازد: «آفتاب روی قبرها می‌تابید. منظر، بطری خالی بدون دری را که با باد، قِل می‌خورد؛ برداشت. پاکت خالی ساندیسی را هم برداشت. فکر کردم تا برسیم دم ماشین، یک گونی آشغال جمع می‌کند» (همان: ۱۰۴). رژیم غذایی با سبزیجات یا همان گیاه‌خواری نیز از موضوعاتی است که در این داستان بلند اشاره می‌شود: «رفتیم سر میز شام که حتی مفصل‌تر از تصوّراتم بود و شروع کردیم به خوردن. منظر، اول از همه، حمله کرد به سبزی‌ها و من که برای عقب نماندن از عادت‌های مدرن، خواسته بودم گیاه‌خوار بشوم و نشده بودم به ظرف مرغ چشم دوختم» (همان: ۵۰). فعالیت در موسسه‌های خیریه و ان. جی. اوها و کارهای زیست‌محیطی از زمره اهداف جنبش موسوم به سبزه‌است که در این داستان، بازتاب دارد: «دلَم می‌خواهد زود برگردم خانه، سرم را با کار، گرم کنم. با بچه‌های محیط‌زیستی بروم؛ درخت بکارم. آشغال‌های کوه را جمع کنم» (همان: ۱۲۹-۱۲۸).

ط. «بیخ در جهنم» اثر نسترن هاشمی

خُشک‌سالی از موضوعات زیست‌محیطی است که در این داستان بازتاب دارد: «پاییز و زمستان خشکی که از چند ماه قبل شروع شده بود به بهار و تابستانی منتهی شد که اگر چیزی هم در هوا بود؛ خاکی بود که قبل از آن از زمین بلند شده و از زور خشکی، راه نشستن به زمین را گم کرده بود. این تنها وضع و حال تهران نبود، دور تا دور مملکت را خشک‌سالی گرفته بود. انگار خدا به جای گناهان گذشتگان هم می‌خواست مردم را مجازات کند» (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۹).

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- مشکلات، مُعضلات و تهدیدهای زیست‌محیطی

آلودگی سواحل؛ آلودگی صوتی؛ آلودگی هوای شهری؛ پسماندهای شهری و مشکل دفن زباله‌های شهری، ترافیک؛ هدر دادن آب شیرین و تمام شدن ذخایر آب شیرین؛ از بین رفتن جنگل‌ها، مراتع، قنات‌ها، کاسته شدن از وسعت فضاهای سبز شهری؛ تهدید زیست‌کره توسط ابرقدرت‌ها با بمب هسته‌ای؛ افزایش مصرف‌گرایی؛ بروز بیماری‌های مرموز؛ ازدیاد جمعیت و کمبود غذا؛ جولان موش‌های ناقل بیماری در جوب‌های شهری؛ خشک‌سالی و خالی شدن روستاها از سکنه؛ ریزگردها، خشک شدن هورها؛ تالاب‌ها؛ رودخانه‌ها و دریاچه‌ها.

۴-۲- رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی

جلوگیری از هدر رفتن آب مشروب شهری و جمع کردن آن در ظروف تا حد ممکن.

۴-۳- رفتارهای غیرمسئولانه زیست‌محیطی

ریختن سبزه‌های باقی مانده از سفره هفت‌سین در آب و رها کردن زباله‌ها در کمپ‌های تفریحی بعد از ترک کمپ؛ قطع درختان و بریدن درختان جوان به جای شاخه‌ها و درختان خشکیده به صورت انبوه و حمل آن با تریلی و کامیون برای مراسم عروسی و روضه‌خوانی؛ هدیه و رشوه گرفتن جنگلبانان و نگهبانان از شکارچیان و چوپانان و چوب‌برها و زیرپا گذاشتن قوانین؛ آبیاری سبزیجات با فاضل‌آب شهری، بوق زدن بی‌مورد در ترافیک و ایجاد آلودگی صوتی، ایجاد ترافیک سنگین به دلیل انبوه ماشین‌های تک سرنشین؛ آلودن ساحل دریا با آت و آشغال‌های رها شده؛ گذاشتن کیسه‌های زباله پیش از زمان مُقرر در مقابل درب منزل و پاره شدن کیسه‌ها به وسیله گربه و دیگر حیوانات و پخش شدن آشغال‌ها در معابر؛ سیگارکشیدن در فضای بسته و اعتراض به تابلوی «سیگارکشیدن در این محل ممنوع است» و مزخرف خواندن این قانون و تشویق دیگران به کشیدن سیگار در فضای بسته؛ انداختن ته‌سیگار به روی زمین.

۴-۴- نگرش‌های مثبت محیط‌زیستی

بازتاب دادن جنگ و فجایع و تبعات آن از طریق برگزاری نمایشگاه عکس؛ تبلیغ شعارهایی با مضمون «جنگ دیگر بس است»؛ دوست داشتن و مهر ورزیدن به جهان هستی و ارزش قائل شدن به حقوق حیوانات؛ به یک چشم دیدن مورچه و انسان و قائل شدن حق حیات برای حیوانات در روی کره زمین؛ پاس‌داشت روز طبیعت (سیزده بدر)؛ آگاهی دادن به افراد سیگاری از مضرات سیگارکشیدن پیش زنان باردار؛ بازگرداندن باقی مانده هسته، پوسته میوه‌ها و گیاهان به طبیعت بر اساس یک باور سرخ‌پوستی (چیزی که از زمین گرفته‌ای باید دوباره به زمین برگردانی) برای غنی کردن خاک؛ کره زمین مال همه موجودات است؛ اعتراض به شکار و کشتار حیوانات.

۴-۵- نگرش‌های منفی محیط‌زیستی

باور اعتقادی به این‌که خشک‌سالی و بلایای طبیعی، نتیجه گناهان مردم و مجازات از طرف خداوند است.

۴-۶- راه‌کارهای ارائه شده برای رفع مشکلات زیست‌محیطی

توصیه به گیاه‌خواری برای پرهیز از ریختن خون حیوانات؛ پختن غذاهای تازه با سبزیجات به جای استفاده از غذاهای کنسروی؛ پیاده‌روی در فضای باز و تنفس هوای سالم بعد از باریدن باران و برف؛ توجه به هشدارهای رادیو تلویزیون هنگام آلودگی شدید هوا و توصیه به ماندن کودکان و سالم‌خوردگان درون منازل؛ استفاده از ماسک در روزهایی که هوا آلوده است؛ استفاده از شیر کم چرب برای خنثی کردن اثرات سرب پخش شده از آگروز ماشین‌ها که وارد ریه می‌شود؛ بیرون‌نیآوردن ماشین از خانه در ساعات ترافیک روز؛ شستشوی سبزیجاتی که با فاضلاب آبیاری شده با ریکا و مایع ضد عفونی‌کننده و خواباندن آن در آب و نمک؛ پاک کردن کوه و دشت و جنگل از پسماندها و جمع‌آوری زباله‌های رها شده در طبیعت؛ کاشتن درخت به جای درختان قطع شده؛ مالچ‌پاشی بر روی شن‌زارها برای جلوگیری از ریزگردها، پرهیز از به کار بردن ظروف یک‌بار مصرف.

۷- دلایل پاره‌ای از مشکلات و معضلات زیست‌محیطی

جنگ، نتیجه مرزبندی‌های سیاسی بین کشورهاست؛ کارخانه‌های اسلحه‌سازی عامل راه افتادن جنگ و کشتار و ویرانی محیط زیست است؛ ساخت و سازهای بی‌رویه و تبدیل خانه‌های دل‌باز باغچه‌دار قدیمی به برج و پاساژ و آپارتمان که فضای سبز و امکان تنفس را از شهر می‌گیرند؛ علت هدر رفتن آب شیرین، فرسودگی سیستم آبرسانی شهری است؛ زلزله نتیجه برداشت بیش از اندازه آب از سفره‌های زیرزمینی و نابودی قنات‌هاست؛ علت بیماری‌های گوارشی و روده نتیجه آبیاری سبزیجات با فاضلاب شهری است؛ علت آلودگی آب‌های سواحل دریا، سرازیر شدن پساب‌ها و فاضلاب شهری به دریاست.

نتیجه‌گیری

با روبه‌فزونی گذاشتن مشکلات زیست‌محیطی مثل فرسایش خاک، آلودگی‌های صوتی و محیطی، تخریب جنگل و از بین رفتن مراتع، آلودن آب‌ها، رها کردن مواد پلاستیکی و زباله‌های شهری در رودخانه‌ها، جنگل، دریا و ... تأثیر و دخالت آدمی بر محیط زیست؛ توجه به رفتارهای زیست‌محیطی و تغییر نگرش مردم به زیست‌گه، افزایش یافته است. یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار زیست‌محیطی، آگاه کردن افراد در مورد مشکلات زیست‌محیطی و تغییر نگرش آن‌ها نسبت به این مسائل است. در این راستا، ادبیات به‌ویژه ادبیات داستانی و رمان، می‌تواند برخلاف بخش‌نامه‌های اداری و دستورات دولتی، به صورتی غیر مستقیم بر مخاطبان خود، تأثیر بگذارد و نگرش و رفتارهای مسئولانه شهروندان را ارتقاء دهد. یافته‌های این بررسی، حکایت از آن دارد که این نویسندگان در کنار طرح بسیاری از معضلات و مشکلات زیست‌محیطی در داستان‌های خود، بعضاً به ریشه‌ها و دلایل این مسائل نیز، اشاره کرده‌اند. در مواردی هم، راه‌کارهایی برای رفع این مشکلات به دست داده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد در کنار آموزش‌ها و توصیه‌های مستقیم زیست‌محیطی، هرچه سرمایه‌گذاری فرهنگی، به‌ویژه در حوزه داستان و رمان، بیش‌تر باشد؛ نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در افراد، نهادینه‌تر می‌شود.

منابع

۱. آل بوغییش، عبدالله؛ گل‌بابایی، فاطمه (۱۳۹۷). نقد زیست‌بوم‌گرایانه داستانی کوتاه از غلام‌حسین ساعدی، ادبیات پارسی معاصر، سال هشتم، شماره ۸، صفحه ۹۷-۷۹.
۲. احدیت، شهره (۱۳۹۷). زمان زوال، چاپ سوم، تهران: نیماژ.
۳. احمدیان، داریوش؛ حقیقتیان، منصور (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی شهری (مورد مطالعه: شهروندان کرمانشاه)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ششم، شماره ۱۸، صفحه ۷۶-۵۱.
۴. ارسطویی، شیوا (۱۳۹۴). نی‌نا، تهران: چشمه.
۵. برک‌پور، ناصر؛ جهان‌سیر، فاطمه (۱۳۹۵). شهروند محیط‌زیستی و تحلیل رفتار شهروندی در شهر قزوین، مجله هویت شهر، سال دهم، شماره ۲۸، صفحه ۵۳-۶۶.
۶. بشیریان، فرهاد؛ شایان‌سرشت، اکبر (۱۳۹۶). نقد بوم‌گرایانه دفتر شعر از زبان برگ، سروده محمدرضا شفیعی کدکنی، شعرپژوهی، پیاپی ۳۳، ص ۱۸-۱.
۷. بهروزکیا، کمال (۱۳۸۳). جهان داستان و محیط زیست، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۸۵، صفحه ۶۰-۵۳.
۸. پارساپور، زهرا (۱۳۹۱). نقد بوم‌گرا، رویکردی نو در نقد ادبی، نقد ادبی، شماره ۱۹، صفحه ۲۶-۷.
۹. _____، _____ (۱۳۹۲). نقد بوم‌گرا، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. ترقی، گلی (۱۳۹۷). اتفاق، تهران: مروارید.
۱۱. تقی‌زاده، نگار (۱۳۹۰). سنگ سیاه روی سنگ سفید، تهران: آموث.
۱۲. حسینیان، مریم (۱۳۹۵). ما داریم اینجا می‌میریم، تهران: مرکز.
۱۳. حمیدی، رکسانا (۱۳۹۶). حوالی خیابان سی تیر، تهران: افراز منش.
۱۴. حبیبی‌نسامی، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی بوم‌گرایانه باشیرو، ادبیات پارسی معاصر، سال چهارم، شماره ۴، صفحه ۱۱۵-۹۵.
۱۵. حیدری، محبوبه؛ حیدری، شیوا (۱۳۹۹). نقد بوم‌گرایانه قصه‌های عامیانه، شفای دل، سال سوم، شماره ششم، صفحه ۱۶۰-۱۳۵.
۱۶. خراسانی، محبوبه؛ داوودی مقدم، فریده (۱۳۹۸). طبیعت در قصه‌های عامیانه ایرانی از دیدگاه نقد بوم‌گرا، فنون ادبی، سال یازدهم، پیاپی ۲۷، ص ۸۴-۶۹.
۱۷. خسروی، نسترن؛ کوپال، عطالله (۱۳۹۳). جای خالی سلوچ و فلسفه بوم‌شناختی، دهخدا، شماره ۲۱، صفحه ۱۱۳-۸۵.
۱۸. ذکاوت، مسیح (۱۳۹۰). درآمدی بر نقدبوم، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران، به کوشش محمود فتوحی، تهران: خانه کتاب، صفحه ۶۹۵-۶۷۵.
۱۹. ذوالفقارخانی، مسلم (۱۳۹۵). بررسی زیست‌بوم در شعر فروغ فرخزاد بر اساس نظریه بوم‌فنیسم، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، سال اول، شماره ۲، صفحه ۱۴۲-۱۱۵.
۲۰. راکعی، فاطمه؛ نعیمی‌حشکوائی، فاطمه (۱۳۹۵). استعاره و نقد بوم‌گرا، زبان‌شناخت، سال هفتم، شماره اول، صفحه ۱۰۳-۸۹.
۲۱. روانشاد، آرام (۱۳۹۳). ساعت ویرانی، تهران: مروارید.
۲۲. زرتشت (۱۳۷۸). اوستا (گائاه‌ها، یسنا، یشت‌ها، ویسپرد و خرده اوستا)، تحقیق هاشم رضی، تهران: بهجت.
۲۳. سالار، سارا (۱۳۹۲). هست یا نیست، تهران: چشمه.
۲۴. سالاری، قاسم؛ سید یزدی، زهرا و یوسفی‌نیا، شکریه (۱۳۹۳). «بررسی نقد بوم‌گرایانه داستان‌های علی اشرف درویشیان»، فصل‌نامه مطالعات داستانی، سال سوم، شماره ۲، صفحه ۱۳۵-۱۱۱.
۲۵. سلیمانی، بلقیس (۱۳۹۹). آن مادران، این دختران، چاپ چهارم، تهران: ققنوس.

۲۶. شعیری، حمیدرضا؛ سید ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۸). نشانه بوم‌زیست ادبی: نظریه و روش، نقد ادبی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صفحه ۸۹-۶۹.
۲۷. شکیبایی، رؤیا (۱۳۹۲). خواستم بگویم خون را بین، تهران: زاوش.
۲۸. شاه‌بیان، شهلا (۱۳۹۳). بوی برف، تهران: ایلیا.
۲۹. صالحی، صادق و امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱). بررسی تجربه آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: مناطق روستایی و شهری سنندج)، فصل‌نامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، صفحه ۱۴۷-۱۲۱.
۳۰. صالحی، صادق؛ پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و عمل‌کرد زیست‌محیطی دانشجویان»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره پیاپی ۵۵، شماره ۳، صفحه ۸۸-۷۱.
۳۱. عباسی، سیمای؛ پورابراهیم شیرین (۱۳۹۸). نقش زیست‌بوم در مفهوم‌سازی شهادت در اشعار سلمان هراتی: پیوندگاه دیدگاه‌شناختی و نقد بوم‌گرا، جستارهای زبانی، پیاپی ۵۲، صفحه ۲۵۷-۲۳۷.
۳۲. عقلی، سید محمود؛ خوش‌فر، غلامرضا؛ صالحی، صادق (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی در شمال ایران (مورد مطالعه: استان‌های گیلان، مازندران و گلستان)، مجله دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، جلد شانزدهم، ویژه‌نامه الف، صفحه ۲۵۰-۲۳۶.
۳۳. فاضلی، محمد؛ جعفر صالحی، سحر (۱۳۹۲). شکاف نگرش، دانش و رفتار زیست‌محیطی گردشگران، مطالعات مدیریت گردشگری، سال ۸، شماره ۲۲، صفحه ۱۶۷-۱۳۱.
۳۴. فرهادپور، لیلی (۱۳۹۳). خط چهار متر، تهران: ثالث.
۳۵. قاسمی، لیلا (۱۳۹۲). هیچ وقت، تهران: زاوش.
۳۶. کلهر، فریبا (۱۳۹۰). شروع یک زن، تهران: نگاه.
۳۷. مرادی، روزبه و زندگی، بهمن؛ سادات غیاثیان، مریم (۱۳۹۷). روایت‌های بوم‌گرایانه از جهان‌بینی‌های زنان با تأکید بر آثار داستانی منیر و روانی پور و زویا پیرزاد، پژوهش‌نامه زنان، ویژه‌نامه، صفحه ۱۲۹-۱۰۱.
۳۸. مرتضوی، مانده (۱۳۹۶). سه سکنس از پاییز، تهران: البرز.
۳۹. مرعشی، نسیم (۱۴۰۰). پاییز فصل آخر سال است، چاپ پنجاه و دوم، تهران: چشمه.
۴۰. مودودی، محمد ناصر (۱۳۹۰). بوم نقد، جنبشی میان رشته‌ای بین دو حوزه محیط زیست و ادبیات، کتاب ماه، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۹، صفحه ۱۸-۱۲.
۴۱. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۶). رستاخیز زیست‌بوم‌گرایی، مجله جستارهای شهرسازی، سال ۶، شماره پیاپی ۲۶، صفحه ۷-۶.
۴۲. نیازی، نوذر (۱۳۹۴). خوانش بوم‌گرایانه از داستان کوتاه درخت گلایی نوشته گلی ترقی، ادبیات پارسی معاصر، سال پنجم، شماره ۳، صفحه ۱۲۷-۱۱۳.
۴۳. وفی، فریبا (۱۳۹۹). بعداً از پایان، چاپ یازدهم، تهران: نگاه.
۴۴. هاشمی، نسترن (۱۳۹۴). یخ در جهنم، تهران: هیلا.

45. Arcury, A. T. and Christianson, E.H. (1990). " Environmental World Wiew in Respons to Glotfelty, Cheryl and Fromm, Harold (1995). The ecocriticism Reader, Landmarks in Literary Ecology, Athend and London: The University of Georgia Press.

The reflection of environmental behavior on selective works of female authors in 90th decade

Yaqoob Navanov¹, Maryam Mohammadzadeh ^{*2}, Ramin Sadeghi-Nejad³

¹PhD student in Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

^{*2} Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Corresponding Author)

³Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

Abstract

Environmental behaviors, especially behaviors followed responsibly by positive attitude and knowledge have direct and undeniable effect on environment. Environmental problems derived from interference and infinite and incorrect exploitation of human from natural reserve can be changed by true training and culturalization. One of methods of indirect training and culturalization to change attitude on environment is to inform, emphasize on proper environmental behavior and condemn improper behaviors in literature, specially fiction and novel that can have more effect than governmental and official instruction and circular. In order to do research what environmental problems, behavior and attitude have on novel, selective works of female authors of 90th decade were reviewed. This selection is why women due to womanish and maternal trait have more positive attitude on this affair rather than men who have imperious perspective on cosmos and nature. The results of this study show that beside reflection of environmental problems at this art works, valuable and constructive solutions were provided to solve these problems.

Keywords: Novel, Environmental behavior, Environment, Environmental attitude, female authors of 90th decade